

مقدمه‌ای بر مبانی علم نحو روسی*

سید حسن زهرایی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

چکیده

علم نحو آن بخش از دستور زبان است که به بررسی قواعد و ویژگی‌های مربوط به ترکیب کلمات و هم‌چنین نقش کلمات در ساختار واحدهای نحوی، از قبیل گروه‌واژه و جمله، می‌پردازد. مهم‌ترین موضوعات و مفاهیم دستوری‌یی که در حوزه علم نحو روسی به عنوان مبانی این علم مطالعه و بررسی می‌شوند عبارتند از: واحد نحوی^۱، نسبت نحوی^۲، رابطه نحوی^۳، گروه‌واژه^۴، جمله^۵، اجزاء جمله^۶. مقاله حاضر به مطالعه و تشریح آن دسته از مفاهیم دستوری که مبانی علم نحو روسی را تشکیل می‌دهند می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی

واحد نحوی، نسبت نحوی، گروه‌واژه، اجزاء جمله.

مقدمه

اصطلاح نحو، برگرفته از کلمه یونانی *syntaxis*، به معنای «ساختار، ساختمان، ترکیب» است. علم نحو به مطالعه و بررسی ساختار واحدهای نحوی، ارتباط میان واحدهای نحوی، همچنین چگونگی و نحوه ایجاد ارتباط میان اعضای تشکیل دهنده واحدهای نحوی می‌پردازد. موضوعات نحوی، و دیدگاه‌های مختلف در این باره، از دیرباز مورد

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «بررسی تئوری-آموزشی دستور زبان روسی»، شماره ۳۶۴/۳/۴۴۶، است، که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

1) синтаксическая единица

2) синтаксическое отношение

3) синтадсическая связь

4) словосочетание

5) предложение

6) членъ предложения

توجه دستورنویسان و زبان‌شناسان روسی بوده است. در دوران معاصر، دستورنویسان روس، در مطالعات نحوی خود، قبل از هر چیز، به بررسی سلسله‌ای از مفاهیم اساسی مرتبط با علم نحو می‌پردازند که پایه و اساس تحلیل‌های بعدی موضوعات نحوی را تشکیل می‌دهند (بلاشاپکوا^۱ ۱۹۸۹، ص ۵۹۹؛ لکان^۲ ۱۹۹۹، صص ۲۸۰-۲۹۲؛ والگینا^۳ ۱۹۹۱، صص ۵-۱۲؛ دستور زبان روسی^۴ ۱۹۸۲، صص ۵-۱۲؛ دستور زبان روسی^۵ ۱۹۵۴، صص ۵-۳۴). این گونه مفاهیم اساسی مرتبط با نحو روسی را می‌توان «مبانی علم نحو روسی» نامید.

بحث و بررسی

کلمات به عنوان اجزای تشکیل دهنده گفتار، با قرار گرفتن در کنار یکدیگر و ترکیب با هم، اجزای بزرگ‌تری را، از قبیل گروه‌واژه و جمله به وجود می‌آورند که واحدهای نحوی نامیده می‌شوند. از لحاظ نحوی، خود کلمه نیز می‌تواند موضوع بررسی علم نحو باشد. بلاشاپکوا، زبان‌شناس روس، چنین می‌نویسد: «از یک سو کلمه... و از سوی دیگر واحدهای بزرگ‌تر از جملات ساده و جملات مرکب نیز موضوعات مورد مطالعه علم نحو هستند» (بلاشاپکوا ۱۹۸۹، ص ۵۳۲).

ترکیب کلمات و طرز قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر، ترکیب و هم‌نشینی ساده‌ای نیست. کلماتی که در یک واحد نحوی، از قبیل جمله، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، در واقع در زنجیره و نظام ارتباطی تنگاتنگی قرار گرفته‌اند که بین اجزای آن نسبت و رابطه معنایی مشخصی هست. به عنوان مثال، در گروه‌واژه *ЧИТАТЬ КНИГУ* (کتاب را خواندن)، میان کلمات *ЧИТАТЬ* (خواندن) و *КНИГУ* (کتاب را) رابطه معنایی مفعولی وجود دارد. در این گروه‌واژه، کلمه *КНИГА* (کتاب) مفعول فعل *ЧИТАТЬ* است و اثر فعل *ЧИТАТЬ* به کلمه *КНИГА* باز می‌گردد. در گروه‌واژه *ХОРОШАЯ КНИГА* (کتاب خوب)، میان کلمات *ХОРОШАЯ* (خوب) و *КНИГА* (کتاب) رابطه معنایی وصفی وجود دارد. در این گروه‌واژه، کلمه *ХОРОШАЯ* را توصیف می‌کند. به این نوع نسبت‌ها و رابطه‌های معنایی میان کلمات نسبت نحوی می‌گویند. آنچه که باعث می‌شود تا میان اجزای تشکیل دهنده واحدهای نحوی، از قبیل گروه‌واژه و جمله، نسبت نحوی

1) Белошапкива 2) Лекант

3) Валгина

4) **Русская Грамматика**

5) **Грамматика русского языка**

ایجاد گردد، رابطه نحوی نامیده می‌شود. رابطه نحوی نوعی ابزار نحوی است که به منظور ایجاد نسبت نحوی میان اجزای تشکیل دهنده واحدهای نحوی به کار می‌رود. به عنوان مثال، آنچه که باعث شده است که میان کلمات читать و книга در گروه‌واژه читать книгу نسبت نحوی مفعولی به وجود آید، وجود نوعی رابطه نحوی است که رابطه نحوی حاکمیت نامیده می‌شود. در مثال хорошая книга نیز وجود رابطه نحوی دیگری تحت عنوان رابطه نحوی هم‌سانی باعث ایجاد نسبت نحوی وصفی میان دو کلمه хорошая و книга شده است.

بلاشاپکوا، با تأکید بر ضرورت تعیین رابطه نحوی در ساختار واحدهای نحوی، به تقسیم‌بندی و بررسی انواع رابطه‌های نحوی می‌پردازد و برای تقسیم‌بندی سنتی که بر اساس آن رابطه‌های نحوی به دو گروه رابطه نحوی هم‌پایگی (сочинительная связь) و رابطه نحوی وابستگی (подчинительная связь) تقسیم می‌شوند، اهمیت ویژه‌ای قایل می‌شود:

در تاریخ زبان‌شناسی چندین نشانه و مؤلفه مشخص شده‌اند که بر اساس آنها می‌توان انواع رابطه‌های نحوی و در نتیجه گروه‌های تقابلی مختلف در ارتباط با این رابطه‌های نحوی را تعیین کرد... مقایسه و مقابله رابطه نحوی هم‌پایگی با رابطه نحوی وابستگی که به شکل سنتی مشخص شده‌اند، از این نوع گروه‌های تقابلی هستند (همان، ص ۵۴۶).

اجزای تشکیل دهنده واحدهای نحوی، چنانچه به وسیله رابطه نحوی هم‌پایگی ترکیب شده باشند، از لحاظ نحوی دارای ارزش یکسان و از نظر معنایی و دستوری مستقل‌اند، مانند ترکیب کلمات книга (کتاب) و журнал (مجله) در گروه‌واژه книга и журнал (کتاب و مجله). در این نوع ترکیب‌ها، هیچ‌یک از اجزاء وضعیت برتری از لحاظ نحوی نسبت به دیگری ندارند. در چنین مواردی، اجزای ترکیب معمولاً به وسیله ویرگول یا حروف ربط هم‌پایگی، از قبیل и (و)، а, но (لیکن، اما)، با یکدیگر مرتبط می‌شوند. در این نوع ترکیب‌ها، معمولاً می‌توان به راحتی محل قرارگیری اجزای ترکیب را با یکدیگر تعویض نمود:

книга и журнал (مجله و کتاب) → журнал и книга (کتاب و مجله)

اجزای تشکیل دهنده واحدهای نحوی، چنانچه به وسیله رابطه نحوی وابستگی با یکدیگر ترکیب شده باشند، از لحاظ نحوی دارای ارزش یکسان نیستند. در این نوع

ترکیب‌ها، یکی از اجزاء به عنوان جزء اصلی یا هسته (ГЛАВНЫЙ КОМПОНЕНТ) و جزء یا اجزاء دیگر، که فاقد استقلال دستوری‌اند، به عنوان جزء وابسته یا وابسته (ЗАВИСИМЫЙ КОМПОНЕНТ) تعیین می‌شوند، مانند ترکیب کلمات МОЙ (ضمیر ملکی من) و АВТОМОБИЛЬ (اتومبیل) در گروه‌واژه МОЙ АВТОМОБИЛЬ (اتومبیل من). در این گروه‌واژه، کلمه МОЙ جزء وابسته است و کلمه АВТОМОБИЛЬ هسته گروه‌واژه. ترکیب کلمات ПИСАТЬ (نوشتن) و ПИСЬМО (نامه) در گروه‌واژه ПИСАТЬ ПИСЬМО (نامه را نوشتن) نیز به وسیله رابطه نحوی وابستگی ایجاد شده است. در این گروه‌واژه، کلمه ПИСЬМО جزء وابسته است و کلمه ПИСАТЬ هسته گروه‌واژه.

تقسیم‌بندی و ایجاد تقابیل منطقی میان رابطه‌های نحوی در علم نحو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زبان‌شناسان روسی، با هدف تعیین انواع گروه‌واژه و بررسی رده‌شناختی آن، در مورد رابطه نحوی، به تقسیم‌بندی دیگری می‌پردازند و رابطه نحوی وابستگی را سه نوع می‌دانند: ۱. رابطه هم‌سانی (СОГЛАСОВАНИЕ)، ۲. رابطه حاکمیت (УПРАВЛЕНИЕ)، ۳. رابطه هم‌نشینی (ПРИМЫКАНИЕ). در کتاب دستور زبان روسی چنین آمده است:

تنوع در ترکیب کلمات با یکدیگر با تنوع مربوط به رابطه‌های نحوی موجود میان اجزاء تشکیل‌دهنده گروه‌واژه‌ها مطابقت دارد. در دستورهای زبان روسی از زمان بوسلایف و پاتینیا تنوع مربوط به واحدهای نحوی را به وجود سه نوع رابطه نحوی نسبت داده‌اند: رابطه هم‌سانی، رابطه حاکمیت، رابطه هم‌نشینی (دستور زبان روسی ۱۹۵۴، ص ۲۲).

چنانچه اجزاء تشکیل‌دهنده واحد نحوی توسط رابطه نحوی هم‌سانی با یکدیگر ترکیب شده باشند، جزء وابسته، از لحاظ ویژگی‌های دستوری، تابع هسته است. جزء وابسته در این نوع واحدهای نحوی اصطلاحاً از خود استقلال دستوری ندارد و از لحاظ کلیه ویژگی‌های دستوری با هسته مطابقت می‌نماید. به عنوان مثال، در گروه‌واژه НОВЫЙ ДОМ (خانه جدید)، کلمه ДОМ (خانه) هسته گروه‌واژه است و صفت НОВЫЙ (جدید، نو) جزء وابسته گروه‌واژه. چنانچه در گروه‌واژه فوق، به جای کلمه ДОМ کلمه КВАРТИРА (آپارتمان) را، که اسم مؤنث است، به کار ببریم، از صفت

новый نیز باید به شکل مؤنث یعنی به شکل новая، استفاده شود.

یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین رابطه‌های نحوی موجود میان کلمات در ساختار جمله‌های روسی، رابطه نحوی میان نهاد و گزاره جمله است. در دستور سنتی زبان روسی، رابطه نحوی میان نهاد و گزاره، رابطه نوع همسانی تعیین می‌شود. در این رابطه نحوی، نهاد به عنوان جزء اصلی و گزاره به عنوان وابسته مشخص می‌شوند. علت این امر این است که در ساختار جمله‌های شخصی (جمله‌های دارای نهاد) معمولاً نهاد، به عنوان جزء اصلی، ویژگی‌های دستوری گزاره را از لحاظ شمار و جنس و شخص تعیین می‌کند. به هماهنگی میان نهاد و گزاره در جمله زیر دقت کنید:

<u>Мама</u> ۱	<u>отдыхала.</u> ۲	<u>مادر استراحت می‌کرد.</u> ۲ ۱
اسم مفرد مؤنث در نقش نهاد	شکل گذشته مفرد مؤنث отдыхать فعل در نقش گزاره	

چنانچه در جمله بالا به جای کلمه мама (مادر) از کلمه папа (پدر) در نقش نهاد استفاده شود، از شکل گذشته مفرد مذکر فعل отдыхать (استراحت کردن)، به عنوان گزاره استفاده خواهد شد، زیرا کلمه папа اسم مفرد مذکر است:

<u>Папа</u> ۱	<u>отдыхал.</u> ۲	<u>پدر استراحت می‌کرد.</u> ۲ ۱
اسم مفرد مذکر در نقش نهاد	شکل گذشته مفرد مذکر отдыхать فعل در نقش گزاره	

در رابطه نحوی حاکمیت نوع حالت جزء وابسته، که معمولاً اسم است، توسط هسته تعیین می‌شود. هسته در این نوع واحدهای نحوی می‌تواند فعل، اسم، صفت یا قید باشد. به گروه واژه‌های زیر دقت کنید:

<u>встречать</u> ۱	<u>отца</u> ۲	<u>پدر را ملاقات کردن</u> ۱ ۲
مصدر فعل به عنوان هسته	اسم در V.п. به عنوان وابسته	
<u>дом</u> ۱	<u>отца</u> ۲	<u>خانه پدر</u> ۲ ۱
اسم در I.п. به عنوان هسته	اسم در P.п. به عنوان وابسته	

<u>Стакан</u>	<u>ПОЛОН</u>	<u>ВОДЫ.</u>	استکان <u>پُر</u> از آب است.
	۱	۲	۲ ۱
	اسم در P.п. شکل کوتاه صفت		
	به عنوان هسته		

<u>раньше</u>	<u>вас</u>	<u>زودتر (قبل) از شما</u>
۱	۲	۲ ۱
اسم در P.п.		
به عنوان وابسته		
قید		
به عنوان هسته		

در گروه واژه‌های بالا، هسته‌های گروه‌واژه‌ها تعیین‌کننده حالت اجزاء وابسته‌اند. به عنوان مثال، چنانچه در گروه واژه встречать отца به جای فعل встречать فعل встречать دیگری را، از قبیل فعل сказать (گفتن) جایگزین کنیم، مشاهده خواهیم کرد که کلمه отцу (پدر) در Д.п. و به شکل отцу (به پدر) به کار خواهد رفت، زیرا فعل сказать کلمه отец را به عنوان مفعول در Д.п. می‌طلبد.

در رابطه نحوی هم‌نشینی وابستگی جزء وابسته به هسته تنها به واسطه رابطه معنایی و محل قرارگیری آن مشخص می‌شود. جزء وابسته را در این نوع واحدهای نحوی معمولاً کلمات غیر صرفی، مانند قید و مصدر، تشکیل می‌دهند. به این ترتیب، در این نوع ترکیب‌ها، جزء وابسته هیچ‌گونه تغییر شکلی نمی‌یابد، همچنین هیچ‌گونه نشانه صرفی‌یی که بیانگر وجود رابطه نحوی میان جزء وابسته با هسته باشد وجود ندارد. به مثال‌های زیر دقت کنید:

<u>хорошо</u>	<u>читать</u>	<u>خوب خواندن</u>
۱	۲	۲ ۱
قید به عنوان وابسته		مصدر به عنوان هسته
<u>любить</u>	<u>читать</u>	<u>خواندن را دوست داشتن</u>
۱	۲	۱ ۲
مصدر به عنوان وابسته		مصدر به عنوان هسته
<u>очень</u>	<u>много</u>	<u>خیلی زیاد</u>
۱	۲	۲ ۱
قید به عنوان وابسته		قید به عنوان هسته

گروه‌واژه از موضوعات مهمی است که در علم نحو مورد مطالعه قرار می‌گیرد. گروه‌واژه آن واحد نحوی زبان است که از ترکیب دو یا چند کلمه تشکیل می‌شود. کلمات در ساختار گروه‌واژه به وسیله یکی از رابطه‌های نحوی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و

مجموعاً یک مفهوم کلی و یگانه را، بدون این که جمله‌ای را تشکیل داده باشند، بیان می‌نمایند، مانند گروه‌واژه‌های *книга и тетрадь* (کتاب و دفتر)، *моя книга* (کتاب من)، *читать книгу* (کتاب را خواندن)، *хорошо читать* (خوب خواندن).

در گروه‌واژه *книга и тетрадь* کلمات *книга* و *тетрадь* (دفتر) از طریق رابطه نحوی هم‌پایگی، با حرف ربط هم‌پایگی *и* (و) ترکیب شده‌اند. در گروه‌واژه *моя книга* کلمات *моя* (ضمیر ملکی اول شخص مفرد من) و *книга* از طریق رابطه نحوی وابستگی از نوع هم‌سانی با یکدیگر ترکیب شده‌اند. در گروه‌واژه *читать книгу* کلمات *читать* و *книгу* به وسیله رابطه نحوی وابستگی از نوع حاکمیت ترکیب شده‌اند. در گروه‌واژه *хорошо читать* کلمات *хорошо* (خوب) و *читать* به کمک رابطه نحوی وابستگی از نوع هم‌نشینی ترکیب شده‌اند.

در علم نحو جمله همواره مهم‌ترین موضوع نحوی است. جمله واحد نحوی زبان است، که به منظور بیان پیام، سؤال، انگیزه و، به طور کلی، ایجاد ارتباط با دیگران به کار می‌رود. جمله، به عنوان واحد نحوی، از ترکیب کلمات با یکدیگر ساخته می‌شود. کلمات، به عنوان اجزاء تشکیل دهنده جمله، در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با یکدیگرند و هرکدام، در شکلی مشخص، نقش دستوری معینی را در جمله ایفا می‌کنند. سه کلمه *отец* (پدر)، *сын* (پسر)، *встретить* (ملاقات کردن) را در نظر می‌گیریم. برای ساختن جمله از این کلمات، باید ابتدا نقش هریک از آنها را در ساختمان جمله مشخص نمود و سپس آنها را، با توجه به نقش مورد نظر، در شکل لازم به کار برد. به عنوان مثال، از ترکیب کلمات فوق می‌توان جمله زیر را ساخت:

<u>Отец</u>	<u>встретил</u>	<u>сына.</u>	<u>پدر پسر را</u>	<u>ملاقات کرد.</u>
۱	۲	۳	۲	۳ ۱
И.п. در اسم در نقش نهاد	شکل گذشته مفرد مذکر در نقش گزاره	В.п. در اسم در نقش مفعول مستقیم		

در جمله بالا کلمات *отец* در *И.п.* در نقش نهاد، *сын* در *В.п.* در نقش مفعول مستقیم، و *встретить* در شکل گذشته مفرد مذکر در نقش گزاره به کار رفته‌اند. در این جمله هریک از سه کلمه فوق را که در شکل مشخص در نقش دستوری معینی به کار

رفته‌اند و، در واقع، هرکدام از آنها قسمتی از جمله را تشکیل می‌دهند، جزء جمله (член предложения) می‌نامیم. بنابراین، در مثالِ отец встретил сына (مفعول مستقیم)، و (گزاره) اجزاء جمله محسوب می‌شوند.

کلمات، با توجه به معنای لغوی و ویژگی‌های دستوری خود، قادرند در جمله‌ها نقش‌های دستوری مختلفی را بپذیرند. به عنوان مثال، همان‌گونه که مشاهده شد، کلمه отец (پدر)، که از نظر قسم کلمه اسم محسوب می‌شود، در مثال بالا در И.п. در نقش نهاد به کار رفته است. اما، با استفاده از همین کلمات، می‌توان هم‌چنین جمله‌ای ساخت که در آن کلمه отец در В.п. بدون حرف اضافه در نقش مفعول مستقیم به کار رفته باشد:

<u>Сын</u>	<u>встретил</u>	<u>отца.</u>	<u>پسر پدر را ملاقات کرد.</u>	
۱	۲	۳	۲	۳ ۱
И.п. اسم در نهاد در نقش نهاد	شکل گذشته مفرد مذکر در نقش گزاره	В.п. اسم در در نقش مفعول مستقیم		

به این ترتیب، برای هر یک از اقسام کلمات در زبان روسی می‌توان فهرستی تنظیم کرد که در آن کلیه نقش‌های دستوری اقسام کلمات مشخص شده باشد. در نتیجه، فهرست کاملی از اجزاء جمله در زبان روسی به دست خواهد آمد. مهم‌ترین اجزاء جمله در زبان روسی عبارتند از: نهاد، گزاره، مفعول، متمم اسم، بدل، متمم قیدی، قید جمله (والکینا، صص ۸۵-۹۶). در یک تقسیم‌بندی کلی، اجزاء جمله را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. اجزاء اصلی جمله (главные члены предложения)

۲. اجزاء فرعی جمله (второстепенные члены предложения).

جمله‌ها، با توجه به ساختار معنایی خود، دارای اجزاء بنیادی‌اند. این اجزاء بنیادی پایه‌های اصلی هر جمله را تشکیل می‌دهند. وجود هر جمله وابسته به اجزاء بنیادی آن جمله است. آن دسته از اجزاء جمله که جزء اجزاء بنیادی جمله هستند و ساختار معنایی جمله بدون آنها کامل نمی‌گردد، اجزاء اصلی جمله به شمار می‌آیند. اجزاء اصلی جمله را ارکان جمله می‌نامیم. ارکان جمله در جمله‌های ساده دورکنی عبارتند از نهاد (подлежащее) و گزاره (сказуемое).

نهاد کلمه‌ای است که مفهوم گزاره جمله (یعنی انجام کار، وجود حالت، وضعیت یا رابطه) به آن نسبت داده می‌شود. از لحاظ دستور زبان روسی، اسمی که در جمله در نقش نهاد است، باید حتماً در И.П. (یعنی در حالت نهادی) به کار رفته باشد. اسامی بی که در جمله‌های روسی مفهوم نهادی دارند اما در یکی از حالت‌های فرعی (یعنی در حالتی غیر از И.П.) به کار رفته‌اند، نهاد منطقی (СУБЪЕКТ) به شمار می‌آیند:

Мать готовит обед. مادر ناهار را آماده می‌کند.
اسم در И.П. در نقش نهاد

У меня есть книга. من کتاب دارم.
اسم در Р.П. با حرف اضافه У به عنوان نهاد منطقی

Мне холодно. من سردم است.
ضمیر شخصی Я (من) در Д.П. به عنوان نهاد منطقی

گزاره پیام یا خبری است که در ارتباط با یکی از زمان‌های حال، گذشته یا آینده بیان می‌گردد و به نهاد جمله نسبت داده می‌شود. از لحاظ معنا، گزاره بیانگر انجام کار، وجود حالت، وضعیت یا رابطه‌ای است که از نهاد سر می‌زند:

Он работает. او کار می‌کند.
۱ ۲
نهاد گزاره (زمان حال)

Мы разговаривали. ما صحبت می‌کردیم.
۱ ۲
نهاد گزاره (زمان گذشته)

Он студент. او دانشجو است.
۱ ۲
نهاد گزاره (زمان حال)

گزاره دو گونه است: ۱. گزاره فعلی (глагольное сказуемое)، ۲. گزاره اسمی (именное сказуемое). گزاره فعلی گزاره‌ای است که از فعل خاص یعنی از فعل غیرربطی تشکیل شده باشد:

Друзья обедают. دوستان ناهار می‌خورند.
فعل خاص به عنوان گزاره فعلی

گزاره اسمی گزاره‌ای است که از دو بخش تشکیل شده باشد: ۱. بخش اسمی گزاره (именная часть сказуемого)، ۲. فعل ربط (связка).

بخش اسمی گزاره دربرگیرنده مفهوم لغوی و اصلی جمله است و می‌تواند از اسم یا جانشینان هم‌نوع آن، از قبیل صفت و دیگر کلمات، تشکیل شده باشد:

او دانشجو است. Он студент.

اسم به عنوان بخش اسمی گزاره

او عاقل است. Он умный.

صفت به عنوان بخش اسمی گزاره

نقش فعل ربط اسناد و ارتباط دادن مفهوم بخش اسمی گزاره به نهاد جمله است. عمده‌ترین فعل ربط در زبان روسی، فعل ربط БЫТЬ است. فعل ربط БЫТЬ در جمله‌های اسمیه مربوط به زمان حال، در ترکیب گزاره ظاهر نمی‌شود. در واقع، این گونه جمله‌های اسمیه در زمان حال، دارای فعل ربط صفر (\emptyset) هستند:

این میز است. Это (\emptyset) стол.

بخش اسمی گزاره فعل ربط صفر
گزاره اسمی

در دستور زبان فارسی، نهاد جمله‌هایی که گزاره فعلی دارند فاعل و نهاد جمله‌هایی که گزاره اسمی دارند مسند الیه نامیده می‌شود. بخش اسمی گزاره در ترکیب گزاره اسمی، در دستور زبان فارسی، مسند نامیده می‌شود (انوری ۱۳۷۳، ص ۳۰۳؛ نوبهار ۱۳۷۲، ص ۳۸):

بچه‌ها بازی می‌کنند. Дети играют.

گزاره فعلی نهاد

فاعل گزاره فعلی

امتحان سخت بود. Экзамен был трудный.

بخش اسمی گزاره فعل ربط نهاد

مسند الیه مسند فعل ربط

گزاره اسمی

گاهی نهاد یا گزاره تنها از یک کلمه تشکیل می‌شوند:

Он работает.

۱ ۲
نهاد گزاره

او کار می‌کند.

۲ ۱

Он студент.

۱ ۲
نهاد گزاره

او دانشجوی است.

۲ ۱

گاهی نهاد یا گزاره یا هر دو را گروه‌واژه (ها) تشکیل می‌دهند. در این صورت، در هر یک از گروه‌واژه‌ها می‌توان کلمه‌ای را به عنوان کلمه اصلی، به نام هسته، و یک یا چند کلمه را به عنوان وابسته (به هسته) تعیین نمود:

Мой старший брат хороший студент. برادر بزرگ من دانشجوی خوبی است.

۱	۲	۳	۴	۵	۴	۵	۱	۲	۳
وابسته	وابسته	هسته	وابسته	هسته	فعل ربط	فعل ربط	نهاد	گزاره	نهاد

در مثال‌های بالا نهاد و گزاره از گروه‌واژه‌ها تشکیل شده‌اند. بنابراین، این نوع نهاد و گزاره را می‌توان گروه نهاد و گروه گزاره و هسته آنها را، به ترتیب، هسته نهاد و هسته گزاره نامید. آن دسته از اجزای جمله که جزء اجزای بنیادی جمله نیستند و تنها ساختار معنایی جمله را گسترش می‌دهند و توضیحی به جمله می‌افزایند، اجزای فرعی جمله هستند. لکانت، زبان‌شناس روس، وابستگی دستوری اجزای فرعی جمله به اجزای اصلی جمله را نیز یکی از مشخصه‌های مهم در تعیین اجزای فرعی جمله می‌داند و مفعول، متمم اسم، بدل، و متمم قیدی را از اجزای فرعی جمله به شمار می‌آورد. او چنین می‌نویسد:

اجزای فرعی جمله وابسته به اجزای اصلی جمله‌اند و از لحاظ دستوری تابع آنها هستند... در دستور زبان روسی سنتی متمم اسم و مفعول و متمم قیدی اجزای فرعی جمله تعیین می‌شوند و بدل نیز به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد (لکانت ۲۰۰۱، ص ۳۶۵).

نتیجه‌گیری

با نگاهی به نتایج حاصل از بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده بر روی نحو زبان روسی آشکار می‌گردد که اکثر قواعد و موضوعات منتج از مطالعات نحوی، به صورت ریشه‌ای، مرتبط با مفاهیم و موضوعاتی از قبیل واحد نحوی (синтаксическая единица)،

نسبت نحوی (синтаксическое отношение)، رابطه نحوی (синтаксическая связь)، گروه‌واژه (словосочетание)، جمله (предложение) و اجزای جمله (члены предложения) هستند. گروه‌واژه و جمله، به عنوان موضوعات اصلی مورد مطالعه علم نحو، آن واحدهای نحوی به شمار می‌روند که در ساختار آنها اکثر قواعد و موضوعات نحوی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. نسبت نحوی، رابطه نحوی، و اجزای جمله نیز جزء آن دسته از مفاهیم بنیادی علم نحو هستند که مبنای تعیین بسیاری از موضوعات و عناصر نحوی دیگراند. به عنوان مثال، به هنگام مطالعه و بررسی گروه‌واژه از نظر رده‌شناختی، نوع رابطه نحوی میان اعضای تشکیل دهنده گروه‌واژه، یکی از مشخصه‌های اصلی در تقسیم‌بندی گروه‌واژه به انواع مختلف — از قبیل گروه‌واژه‌های هم‌پایه (сочинительные) (подчинительные) و گروه‌واژه‌های وابسته (словосочетания) (подчинительные) است — است (بلاشاپکوا ۱۹۸۹، ص ۵۹۹).

در یک نتیجه‌گیری کلی باید اذعان نمود که ناآشنایی با مفاهیمی که جزء مبانی نحوی‌اند موجب دشواری‌هایی در درک صحیح کلیه موضوعات و قواعد نحوی در سطوح مختلف مطالعات دستوری زبان می‌گردد.

منابع

انوری، حسن، و احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی ۲، انتشارات فاطمی، تهران ۱۳۷۳.
نوبهار، مهرانگیز، دستور کاربردی زبان فارسی، انتشارات راهنما، تهران ۱۳۷۲.

Белошапкива, В.А., **Современный русский литературный язык**, М. 1989.
Валгина, Н.С., **Синтаксис русского языка**, М. 1991.
Грамматика русского языка, Т.2, М. 1954.
Лекант, П.А., **Современный русский литературный язык**, М. 2001 (1999).
Русская грамматика, Т.2, М. 1982.

